



# کمتر به معنای بیشتر

نوشته اریک لوی و پیپولیون فیلیپ

رتال جامع علوم انسانی

بالا، یک زیوت مینالوری  
معروف به «موسو»  
روی یک برگ.

هنگامی که مردم از تجربه خویش با تکنولوژی ارتباطات و سفرهای سریع بین قاره‌ای حرف می‌زنند، غالباً می‌گویند ما در دنیای زندگی می‌کنیم که روز به روز کوچکتر می‌شود. این یک تصور است؛ دنیا در واقع در حال کوچک شدن نیست. اما به معنای دقیقتر، بسیاری از وسائل و ابزارهای که مورد استفاده دائم ما هستند، به دلیل پیشرفتهای تکنولوژیک، هر روز کوچکتر می‌شوند. آندره کوچکر که در بسیاری موارد الحراق نیست اگر بگوییم که ظرفیت‌سازی یکی از جنبه‌های شاخص - و نگران‌کننده زندگی کنونی ماست.

پاسخهای متعددی بدان داده شده است. این ظرفیت‌سازی را سستی چیست؟ در چه مرحله‌ای چیزی ظریف و کوچک می‌شود؟ آیا ما تصویری از اندازه «درست» یا مطلوبی که یک شیء ساخته شده می‌تواند داشته باشد در ذهن داریم؟ اگر چنین است معیار ما برای تعریف این اندازه چیست؟ اکنون که یک دستگاه الکترونیک جیبی ظرفیت این را دارد که انبوهی از اسام روی یک میز اداری را در خود ذخیره کند، تکلیف قواعدهی که بنا به نسبت حاکم بر تصورات ما در باره «اندازه» بوده چه می‌شود؟

علاوه بر این، پهنادهای روان‌شناختی و فیزیولوژیک

ظرفیت‌سازی رودی است که پرسشهای بسیار برانگیخته و

ظریف‌سازی چه خواهد بود؟ چون به هر حال ترکیب و اندازه اشیا که ما را احاطه کرده‌اند به ناگزیر بر رابطه ما با آنها تأثیر دارد. در این برهم کش پویای موجود بین اشیا و آدمها، ظریف‌سازی یک عنصر در مناسبات فی‌مابین، معنایی بیش از یک تقلیل در اندازه دارد. یک تلویزیون هواندازه با یک دسته کارت بازی، دیگر قطعه اثاثه‌ای متناسب با یک صندلی، یک میز یا یک دولاچه نیست، و تصویری که بر صفحه آن ظاهر می‌شود دیگر تناسبی با یک نقاشی آویخته شده بر دیوار یا روی جلد یک مجله ندارد. ما می‌توانیم یک تلویزیون بسیار ظریف را با خود به همه‌جا حمل کنیم. آن دیگر بخشی از پیکر ما می‌شود. و خیلی آسانتر می‌توانیم در خانه‌مان جایی برای آن پیدا کنیم. واکنش ما نسبت به کوچک‌کنی اشیا اهمیت زیادی دارد زیرا نمایانگر آن است که تا به حال برای این پیشروی ظاهر آبی ضابطه به سوی ظریف‌سازی ممکن بود حدی قائل شد. همچنانکه اشیا کوچک و کوچکتر می‌شوند، انگشتی که آنها را به کار می‌گیرند، بزرگتر و بزرگتر می‌نمایند...

اشیا ظریف شده را می‌توان «ایجادکننده محیط دوستانه» به حساب آورد، چون به نحوی طراحی شده‌اند که کمترین جا را بگیرند و حداقل انرژی یا منابع دیگر را صرف کنند. در همین حال ما را از مزاحمت‌های زمان و مکان رها می‌سازند؛ مثلاً در شلوغی آزاددهنده یک زیرگذر فقط کافی است که آدم به خلوت استریوی شخصی‌اش پناه ببرد. البته بهره‌گیری از این امکانات دوستانه‌ای که ظریف‌سازی فراهم آورده نیز حدودی دارد، وگرنه مصداق «تقلیل به هیچ» می‌شود. مثلاً از لحاظ فنی می‌توان این مجله را به یک سیستم اندازه‌فعلی آن تقلیل داد و از این طریق دریاب هزینه‌های مرکب، کاغذ، وقت، پست و حمل و نقل صرفه‌جویی کرد. ولی متأسفانه چنین مسجله‌ای را نمی‌شود با چشم عادی خواند.

فرآورده‌های ظریف شده مصرفی مثل ریزکامپیوترها و تلفنهای دیجیتال رومیزی از چیزهای آشنای زندگی روزانه ما شده‌اند. در ژاپن با استفاده از تکنولوژی ساعت‌ساز، یک روبات خیلی ظریف به نام «موسیو» ساخته شده است که به وسیله یک موتور بسیار کوچک و با مصرف انرژی خیلی کم، کار می‌کند و همراه خود یک دستگاه نوسانگر (امپلاتور) کریستال کوآرتز خیلی جمع و جور دارد که این ریز روبات را طی مدتی طولانی به حرکتی بسیار دقیق و مناسب قادر می‌سازد. «موسیو» در معارف صنعتی و پزشکی دارای فوائد بالقوه بسیار است. تصورش را بکنید که یک ریز روبات به بدن شما تزریق شود و او به هر طرف برود و همه جای بدن شما را معاینه کند و در صورت لزوم تحت عمل قرار دهد.

اما همه اشیا در مسیر کوچک شدن نمی‌افتند. مثلاً تردیدی نیست که اثاثه لباس و لوازم آشپزی در سالهای آتی دستخوش دگرگونیهای اساسی خواهند شد، لکن گرچه آنها از بعضی لحاظ ابعاد خود را از دست می‌دهند، اما جای تردید است که کوچکتر هم بشوند. ■

اروک لوی

اعلایین اشغالی است ولی به عنوان طراح آزاد در همه‌جا کار می‌کند. او دستیار یکی از واحدهای مدرسه ملی ابداعات معنی در پاریس است.

پیو لیونی

اعلایالات متحد و معاون مؤسسه طراحی پاریس و مدیر یکی از واحدهای مدرسه ملی ابداعات معنی در پاریس است.



# مایکرو-مگا

نوشته ایوبووا و الکساندرا پولن

هر چند تناقض آمیز می‌نماید ولی در عصری که گرایش مشخص مدرنگرایانه به سوی خیلی بزرگ است، گرایشی به خیلی کوچک هم هست، از درختان کوچک ژاپنی گرفته تا تراشه‌های کامپیوتری. آیا اینها بی‌ارتباط با یکدیگرند یا دو جنبه متفاوت از همان گرایش به مدرنگرایند؟

آنهاهی که مدرن بودن را به وسیله زمان حال مورد بحث قرار می‌دهند لزوماً خودشان را هم موضوع بحث می‌دانند، زیرا مدرن بودن فقط در ارتباط با یک لحظه مشخص شده در زمان قابل تعریف است. از این‌رو، آن لحظه، چه بصورت ضمنی یا صریح، به منزله برهه‌ای در تداوم زمانی یک تمدن یا فرهنگ تعریف می‌شود، و هیچ برهه‌ای قابل توجه یا واقع‌نمایشی‌تر از آن برهه‌ای نیست که چشم را با بزرگتر کردن بی‌تأسیب جنبه‌هایی از محیط پیرامون بیننده شگفت زده می‌سازد. این گرایش به نو جلوه دادن اشیا از راه بزرگ کردن‌شان، در اسطوره‌های آشنای برج بابل به نمایش درآمده است

گاه علوم انسانی و مطالعات  
رتال جامع علوم انسانی